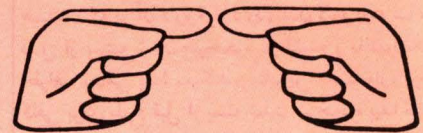


کوتاه ولی خواننده



کاربرد GnRH در گاوهای شیری تازه‌زا:

میزان هورمون‌های FSH و LH در طول ده روز پس از زایش به قدری نیست که اوولاسیون را تحریک نماید و از این گذشته تخمدان‌ها نیز در این مدت به هورمون‌های مذکور پاسخ لازم را نمی‌دهند. اما از روز ۱۴ تا ۱۷ پس از زایمان، تزریق GnRH (۱۰۰ تا ۲۵۰ میکروگرم) موجب اوولاسیون و تولید پروژسترون خواهد شد. بنابر این اندازه‌گیری متوالی پروژسترون در خون یا شیر در تعیین وقوع اوولاسیون مفید خواهد بود. اما مشکل اینجا است که در این روش اوولاسیون پس از وقوع مشخص می‌گردد و این زمان برای جفت‌گیری گاو بسیار دیر تلقی می‌شود. تزریق داخل ماهیچه‌ای GnRH پس از روز ۱۴ زایمان موجب ترشح LH و در نتیجه اوولاسیون می‌گردد و برای این کار روزهای ۱۴ تا ۱۸ پس از زایمان بهترین زمان ممکنه محسوب می‌شود.

اثرات سوء GnRH شامل پیومتر (به دلیل افزایش بافت‌های لوتئال و تولید پروژسترون در روزهای اول پس از زایش) و متریت است.

در مجموع چنین به نظر می‌رسد که تزریق GnRH در گاوهای تازه‌زا غلظت گونادوتروپین‌های خون و پروژسترون را افزایش می‌دهد ولی با این وجود موجب جلو افتادن آبستنی نمی‌گردد. بنابر این اگرچه GnRH در درمان کیست‌های تخمدانی و برخی دیگر از بیماری‌ها مؤثر است، اما چندان کاربردی در گاوهای سالم تازه‌زا ندارد.

وجود ویروس و یا ضایعات ناشی از آن که دلالت بر فعالیت مجدد ویروس کند نداشته‌اند.

IBR غالباً هر دو تخمدان را می‌آلود اما ضایعه اصلی در جسم زرد رویت می‌گردد و در مدت ۳ تا ۴ روز پس از اوولاسیون عفونت جسم زرد رخ می‌دهد. با اندازه‌گیری پروژسترون پلاسما متوجه شده‌اند که اگر تلیسه‌ها در زمان فعلی آلوده شده باشند عمل بافت‌های لوتئال در آن سیکل مختل می‌شود و پس از بهبود ضایعه‌ای در تخمدان‌ها باقی نمی‌ماند. صرف نظر از راه ورود ویروس به بدن، عفونت‌های عمومی به طریق خون و توسط لکوسیت‌ها عارض می‌شود و این مسئله در به‌کارگیری واکسن‌ها حاصل از ویروس‌های زنده اصلاح شده بایستی مد نظر قرار گیرد. خطرناک‌ترین زمان استفاده از این واکسن‌ها درست قبل از فعلی حیوان است و خصوصاً اگر تلیسه‌ها در این زمان تحت تزریق پروستوگلان‌دین‌ها نیز واقع شده و سپس تلقیح شوند عوارض ناشی از ویروس بهتر بروز می‌نماید. همچنین این مسئله به اثبات رسیده است که میزان آبستنی در تلیسه‌های واکسینه شده به مراتب کمتر از سایر تلیسه‌ها بوده است. ویروس IBR اثرات مرگباری بر جنین دارد و به دنبال آن سقط حادث می‌شود. سقط در هر زمان محتمل است ولی بیشترین میزان وقوع آن در سه ماهه آخر آبستنی است. آلودگی تجربی در تلیسه‌های آبستن بعضاً منجر به سقط نشده اما گوساله‌های به دنیا آمده علیرغم دارا نبودن علائم بیماری، آنتی بادی‌های مربوطه را دارا بوده‌اند و در نتیجه منبع بالقوه عفونت برای سایر گوساله‌ها محسوب می‌شود.

Janice M. Miller, Vet. Med./ January 1991

مأخذ:

WAYNE D. OXENDER, Vet. Med./ June 1991

مأخذ:

واکسیناسیون گوسفندان با یک گونه ناقص زنده توکسو پلاسماگونندی (S 48) و ایمنیت آنها در زمان آبستنی:

۶۴ رأس میش به دو گروه مساوی تقسیم شده است. گروه یک با تاکیزوئیت گونه ناقصی از توکسو پلاسماگونندی رشد یافته در حفره شکمی موش و گروه دو با تاکیزوئیت رشد یافته بر روی کشت سلولی واکسینه گردیدند. ۳۰ رأس میش دیگر یعنی گروه سه، واکسینه نشدند. همه میش‌ها ۷۷ روز پس از واکسیناسیون جفت‌گیری داده شدند. سپس در روز ۸۹ تا ۹۰ آبستنی ۲۰۰۰ اووسیت عفونی از طریق دهان خورانده شد. به ۱۰ رأس میش غیر واکسینه (گروه چهار) و ۱۰ رأس میش واکسینه (گروه پنج) بعنوان میش‌های کنترل اووسیت خورانده نشد. میش‌ها واکسینه نشده پس از مصرف اووسیت‌ها تب کردند، درحالی که در میش‌های واکسینه شده تب زودتر شروع شده و شدت و دوره آن کمتر بود. پس از خوراندن اووسیت‌ها تیترا پادتن علیه توکسو پلاسماگونندی در میش‌های واکسینه شده به سرعت تا مقدار زیادی بالا رفت. ولی در میش‌های گروه سه به آهستگی بالا رفت. در گروه سه فقط ۸ بره سقط یا متولد شده (۱۷/۸ درصد) در مقایسه با ۳/۷۲

اثرات ویروس IBR (تورم عفونی بینی و نای گاو) بر دستگاه تناسلی:

یکی از خصوصیات مهم ویروس‌های هرپس آن است که در بدن (احتمالاً بافت‌های عصبی) به صورت نهفته باقی مانده و در اثر استرس، استروئیدها و سایر تحریکات فعال شده و در ترشحات تنفسی (از جمله بینی)، چشمی و تناسلی به خارج راه می‌یابند. تأثیر ویروس بر قسمت خارجی دستگاه تناسلی شامل نواحی نکرورز موضعی همراه با واکنش‌های آماسی لنفوپرولیفراتیو است. در مخاط دستگاه تناسلی ندول‌های برجسته و گاهی اوقات زخم مشاهده می‌شود. در حالات شدید درد و زور زدن ناشی از ضایعات منجر به پرولاپس رحم می‌گردد. جراحات بیماری در دستگاه تناسلی گاو نیز بعضاً به انحراف و چسبندگی قضیب منتهی می‌شود. در محل ورود ویروس به رحم اندومتريت نکرورز حادث می‌گردد پس از یکی دو هفته بهبود می‌یابد و احتمالاً علت ناباروری موقت را پس از استفاده از اسپرم آلوده بروز می‌نماید، همین نکته می‌باشد. مطالعات دیگر نشان داده‌اند که تلیسه‌های بهبود یافته از عفونت رحمی IBR آثاری از

گردآورندگان

- ۱- دکتر غلامرضا مؤذنی جولای
- ۲- دکتر امین درخشانیفر
- ۳- دکتر ناصر رسولی بیرامی

مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان فارس

Watery Mouth :

بیماری مهم بره‌های تازه‌زا تا سن سه‌روزگی در همه نژادها می‌باشد که تلفات سنگینی را به بار می‌آورد. درصد ابتلاء به بیماری ۲۴ درصد و مرگ و میر ۸۰ درصد گزارش شده است. این بیماری بیشتر در گله‌هایی که به‌صورت متراکم نگهداری می‌شوند، به‌وقوع می‌پیوندد. بره‌های حاصل از میش‌های لاغر و یا میش‌هایی که برای اولین بار می‌زایند و یا چندقلوها بیشتر در خطر ابتلاء قرار دارند. عوامل مستعدکننده مانند کاهش یا عدم مصرف آغوز، کاهش حرکات معده‌ای و روده‌ای و بلع باکتری نظیر اشریشیاکلی در ایجاد بیماری مؤثرند. آندوتوکسین نقش اصلی در ایجاد بیماری داشته و علائم بالینی مشخصی را ایجاد می‌کند. بره‌های تازه‌زا به دلایل زیر به عوامل مذکور حساس هستند:

(الف) - خنثی بودن نسبی محتویات شیردان و کاهش حرکات روده در بره که در نگهداری و رشد باکتریها بخصوص در صورت فقدان آغوز اثر گذاشته و از بین رفتن حرکات روده توسط آندوتوکسین مسئله را تشدید می‌کند.

(ب) - ورود باکتری‌ها و مواد جنینی آنها به جریان خون توسط مکانیزم بیگانه‌خواری که در ۲۴ ساعت اول زندگی برای انتقال ملکول‌های سالم از روده به خون صورت می‌گیرد، تقویت می‌شود.

علائم بالینی بین ۱۲ تا ۷۲ ساعت پس از تولد ظهور می‌کنند و شامل افسردگی، امتناع از شیر خوردن، ترشح زیاد بزاق و خیس بودن اطراف دهان، تورم اطراف چشم‌ها و ترشح زیاد اشک، عدم توانایی در ایستادن، باد کردن شکم، اسهال یا یبوست و مرگ می‌باشد.

علائم کالبدگشائی نیز شامل بزرگ شدن شیردان در اثر وجود گاز، تجمع بزاق و لخته‌های شیر می‌باشد. تشخیص باکتری‌می و مقدار زیاد آندوتوکسین در خون برای تشخیص بیماری به‌کار می‌رود. درمان بیماری در صورتی که در مراحل اولیه شروع شود، موفقیت‌آمیز خواهد بود. تجویز مایعات از راه دهان، گرم نگهداشتن بدن بره همراه با تجویز آنتی‌بیوتیک‌ها بهترین روش درمان می‌باشد. استفاده از گلوکز، داروهای ضد التهاب، شیاف و تحریک حرکات روده نیز مؤثر می‌باشد. مصرف میزان مناسب آغوز مؤثرترین راه پیشگیری بیماری است. تأکید در تغذیه مناسب میش‌ها در آخر دوره آبستنی، مراقبت در زمان زایش، تشخیص بره‌هایی که به دلایلی قادر به مصرف آغوز نیستند و دادن آغوز به آنها و بهداشت محل زایش تأثیر زیادی در کاهش بیماری دارند.

مأخذ:

Tim King and Chris Hodgson, (1991), Watery Mouth. In practice January 1991, 23-24

داشت و گاوها و گوساله‌هایی را که تازه وارد گله می‌شوند، به مدت ۲۱ روز در قرنطینه نگهداری و روزانه مورد بازدید و آزمایش مدفوع قرار داد.

مأخذ:

Cliff Wray. (1991), Salmonellosis in cattle, In practice January 1991, 13-15

مطالعه میزان ویتامین E و سلنیوم خون گاوهای شیری و ارتباط آن با تورم پستان بالینی در انگلستان :

گزارش‌های موجود نشان می‌دهند افزودن ویتامین E و سلنیوم به جیره غذایی گاوها در کاهش تورم پستان و طول دوره آن مؤثر می‌باشد. همچنین نقش سلنیوم و ویتامین E در افزایش پاسخ ایمنی و فعالیت نوتروفیل‌های گاو نیز به اثبات رسیده است. برای بررسی ارتباط ورم پستان با میزان ویتامین E و سلنیوم خون دو گروه گاو مورد بررسی قرار گرفتند. نخست گروهی که تورم پستان در آنها زیاد بود و دوم گروهی که تورم پستان در آنها کم بود. فعالیت آنزیم گلوکاتایون پراکسیداز که برای اندازه‌گیری مقدار سلنیوم مورد استفاده قرار می‌گیرد و میزان ویتامین E سرم این گاوها با هم تفاوت چشمگیری نداشتند با این همه بین میزان فعالیت آنزیم گلوکاتایون پراکسیداز و تعداد گلبول‌های سفید شیر (که مبین تورم پستان تحت بالینی می‌باشد) همبستگی منفی وجود داشت و این نشانگر آن است که بین میزان سلنیوم جیره و بروز تورم پستان بالینی رابطه‌ای وجود دارد.

مأخذ:

N. NDIWENI, et al., Vet. Record (1991) 129, 86-88

کمبود کبالت در میش‌های آبستن :

در سرم خون میش‌هایی که از جیره غذایی با کمبود کبالت برخوردار بوده‌اند، غلظت کمتری از ویتامین B₁₂ و مقادیر بیشتری از اسید متیل مالونیک وجود داشته. اما این موضوع اثر قابل توجهی بر وزن، میزان آبستنی و سایر شرایط حیوان نداشته است. علاوه بر اینها میش‌هایی که کمبود کبالت داشته‌اند نسبت به سایر میش‌ها از بره‌زایی کمتر و مرگ و میر بیشتر نوزادان برخوردار بوده‌اند. ضمناً بره‌های میش‌های مذکور کندتر از سایر بره‌ها عمل مکیدن را آغاز می‌کنند و غلظت ایمونوگلوبولین G سرم آنها نیز پائین‌تر است. تغذیه چنین میش‌هایی با کبالت در طول نیمه اول یا دوم آبستنی اثرات زیانبار کمبود این عنصر را به‌طور کامل برطرف نمی‌سازد.

مأخذ:

Fisher, G.E.J., Macpherson, A. (1991) Research in Veterinary Science 50,319

درصد در گروه يك و ۸/۸۰ درصد در گروه دو زنده ماندند. دوره حاملگی در میش‌های گروه سه غیر واکسینه که اووسیت‌ها را مصرف کرده بودند، کوتاه‌تر بود و میانگین وزن بره‌های زنده در موقع تولد بطور معنی داری کمتر از وزن بره‌های گروه يك و دو واکسینه شده و بره‌های گروه کنترل (گروه چهار و پنج) بود. آزمایش سرم بره‌ها قبل از مصرف آغوز نشان داد که تقریباً دوسوم بره‌های حاصل از میش‌های واکسینه شده، در محیط آلوده شده بودند. میش‌های گروه‌های کنترل چهار و پنج از نظر بالینی در طول آزمایش سالم بوده و به‌طور طبیعی زائیدند. واکسن تهیه شده به روش‌های فوق به‌طور مساوی مؤثر بودند. پس نتیجه می‌گیریم که تاکیزوئیت توکسوپلاسمای زنده (S 48) می‌تواند مدت کوتاهی در گوسفند آلودگی ایجاد کرده که پس از آن آلودگی از بین رفته و به‌جای آن ایمنیت در مقابل بیماری به‌وجود می‌آید.

مأخذ:

Buxton, D, et al., (1991), veterinary Record, 129, 89-93

سالمونلوز در گاو :

اگرچه در سال‌های اخیر، در اثر معرفیت سالمونلوز طیور، از اهمیت سالمونلوز در گاو کاسته شده است. با این همه عفونت سالمونلایی گاوها هنوز اهمیت اقتصادی زیادی دارد. ۹۰ درصد از عفونت‌های سالمونلایی گاو را سالمونلا دوپلین و سالمونلا تیفی موریوم تشکیل می‌دهند. عفونت سالمونلا دوپلین اغلب به‌صورت اندمیک در گله‌های بالغ بروز می‌کند. درحالی‌که عفونت سالمونلا تیفی موریوم معمولاً در واحدهای پرورش گوساله مشاهده می‌گردد. اگرچه علائم بالینی عفونت‌های حاصل از سالمونلا دوپلین و سالمونلا تیفی موریوم شباهت‌های زیادی دارند، ولی از نظر همه‌گیری‌شناسی تفاوت‌های مشهودی بین آنها وجود دارد. در حال حاضر در میان عوامل سقط‌جنین گاوها، سالمونلا دوپلین در مقام دوم قرار دارد و در سال‌های اخیر بر تعداد گاوهای که در اثر عفونت با سالمونلا دوپلین بدون علائم بالینی سقط می‌کنند، افزوده شده است. برای تأیید سالمونلوز از کشت مدفوع یا سواب راست روده استفاده می‌شود. برای تشخیص گاوهای به‌ظاهر سالمی که سالمونلا دوپلین دفع می‌کنند، باید سه‌بار پیاپی با فاصله ۷ تا ۱۴ روز از آنها نمونه‌گیری شود. در گروهی از گاوهای بهبود یافته باکتری به‌صورت موضعی درمی‌آید و در مدفوع گاوها مشاهده نمی‌شود به این حیوانات ناقلین خفته Latent Carriers می‌گویند. برای تشخیص ناقلین نهفته، از گاوهای مشکوک در زمان زایمان نمونه تهیه می‌شود. نمونه مذکور می‌تواند مدفوع، سواب راست روده یا واژن و شیر و مواد جنینی باشد. امکان ریشه‌کنی سالمونلاها در آینده نزدیک وجود ندارد. ولی برای کنترل آنها باید در صورت امکان گله را بسته نگه